

# غیاث الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان

قاسم کاکایی

## اشاره

کتاب غیاث الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان تألیف دکتر قاسم کاکایی است که از سوی فرهنگستان هنر به مناسبت برگزاری کنگره بزرگ مکتب شیراز، در آذرماه ۱۳۸۷ منتشر شد. این کتاب که حاصل تحقیقات ۱۶ ساله دکتر کاکایی در زمینه مکتب فلسفی شیراز است جایزه کتاب فصل را در پاییز ۸۷ به خود اختصاص داد. این کتاب به منظور ارائه تصویری از مکتب شیراز نگاشته شده است. مؤلف بدین منظور سرآمد فیلسوفان این دوره که جامع همه بن‌مایه‌های این مکتب است، یعنی غیاث‌الدین منصور شیرازی، را پررنگ‌تر ترسیم کرده است. سپس برای نشان دادن گوشه‌ای از اندیشه‌های مکتب فلسفی شیراز رساله منازل السائرين و مقامات العارفين تألیف غیاث الدین منصور دشتکی را تصحیح، ترجمه و شرح کرده و پیوست بخش دوم کتاب نموده است. متن حاضر گزارشی از مؤلف درباره این اثر است.

روی این مکتب در این دوره به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. پیوند مکتب شیراز با حکمت متعالیه ملاصدرا نیز در این بخش تبیین شده است.

بخش دوم کتاب به رساله عربی منازل السائرين و مقامات العارفين غیاث‌الدین منصور اختصاص دارد. این رساله حاوی عناصر مختلف فکری و گرایش‌های مکتبی غیاث‌الدین منصور است و می‌توان آن را بازنمود دوره‌ای از تفکر فلسفی شمرد که طلیعه حکمت متعالیه ملاصدرا است. دوره‌ای که باید آن را دوره «تقریب» دانست، که در آن، حدیث، تفسیر، کلام، عرفان، فلسفه مشاء و فلسفه اشراق به یک‌دیگر نزدیک شده کنار هم قرار می‌گیرند. این رساله را باید یک رساله در فلسفه عرفان به حساب آورد؛ یعنی نگاه درجه دوم به عرفان دارد. به همین علت، نگارنده در تعلیقات خود و در شرح این رساله مطالب مهمی را که امروز در باب ماهیت و سرشت عرفان و مکاشفات عرفانی مطرح است طرح می‌کند و آن‌ها را با دیدگاه‌های غیاث‌الدین تطبیق می‌دهد. در مقدمه این کتاب آمده است:

«از ناشناخته‌ترین دوران تاریخ فلسفه اسلامی، مقطع بین زمان خواجه نصیرالدین طوسی و میرداماد است. اکثر کتب و آثار اندیش‌مندان این دوره به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور پراکنده‌اند. لذا هم‌اندیش‌مندان این دوره ناشناخته‌اند و هم‌طراز اندیشه آنان بر ما چندان هویدا نیست. جالب آن‌که در تحقیقی که اخیراً برخی دوستان فاضل درباره نسخه‌های خطی انجام داده‌اند، معلوم شد که از نظر حجم، این دوره بیشترین آثار را در میان تمام ادوار تاریخ فلسفه اسلامی



قاسم کاکایی، غیاث‌الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷

## درباره کتاب

بخش اول کتاب در شش فصل تنظیم شده است: فصل اول «مکتب شیراز قبل از ملاصدرا»، فصل دوم «میرصدرالدین دشتکی (سیدسند)»، فصل سوم «محقق خفزی»، فصل چهارم «غیاث‌الدین منصور دشتکی»، فصل پنجم «شاگردان غیاث‌الدین منصور دشتکی» و فصل ششم «مکتب شیراز پس از غیاث‌الدین منصور». این بخش ناگفته‌های بسیاری را از تاریخ فلسفه اسلامی در بردارد. به‌خصوص نگاهی نو به یکی از پیچیده‌ترین دوران اندیشه در ایران یعنی دوره صفوی دارد. برخوردارهای صفویه با مکتب فلسفی شیراز و چالش‌های پیش

داراست.

در این که این دوران را چه بنامیم نیز بین اهل تحقیق اختلاف نظر است، برخی آن را دوره «فترت» فلسفه اسلامی می‌دانند، اما چنان که در ادامه خواهد آمد، نگارنده به تبع برخی صاحب‌نظران، نام «مکتب شیراز» یا «حوزه فلسفی شیراز» را برای این دوره بیشتر می‌پسندد. تحقیق و تفحص در این دوره، به خصوص برای شناخت کیفیت تکوین و تکامل حکمت متعالیه ملاصدرا و چگونگی ارتباط آن با دیدگاه‌های فلاسفه قبل از وی، از اهمیت خاصی برخوردار است.

حدود ۱۶ سال قبل اموری چند از جمله مشاهده خلأ پیش‌گفته در تاریخ فلسفه اسلامی، تناسب رشته تحصیلی نگارنده با این مباحث، علقه به شیراز و «مردم صاحب‌کمالش» و در آخر، «تولای مردان این پاک بوم» خاطر نگارنده را برانگیخت تا اقدامی برای بازشناسی و احیای مکتب یا حوزه فلسفی شیراز را جزو رسالت‌های علمی خویش قرار دهد. فضای حاکم بر حوزه‌های علمیه و دانشگاه شیراز، که در هر دو توجه به حکمت و عرفان اسلامی رخت بر بسته بود، نیز نگارنده را بر انجام این کار مصمم‌تر ساخت.

حاصل این پروژه ایجاد چند درس فلسفه در حوزه‌های علمیه شیراز، تأسیس رشته فلسفه در دانشگاه شیراز و نیز برگزاری چند سمینار ملی و بین‌المللی در باب مکتب فلسفی شیراز در این دانشگاه بود. علاوه بر آن، سلسله مقالاتی که نگارنده تحت عنوان «آشنایی با مکتب شیراز» در مجله پژوهشی خردنامه صدرانگاشت، باعث فتح بایی در زمینه کاوش درباره این مقطع از تاریخ فلسفه اسلامی شد؛ چنان که علاوه بر انتشار مقالات و کتاب‌های پراکنده در این باب، شاهد تکاپوی علمی در این زمینه در سطح دانشگاه‌های کشور نیز بودیم. در نتیجه، ده‌ها رساله دکتری و کارشناسی ارشد راجع به اندیش‌مندان این دوره نگاشته شد که نگارنده سمت راهنمایی یا مشاورت برخی از آن‌ها را در تهران، اصفهان، مشهد، قم و شیراز بر عهده داشته است. برخی از این رساله‌ها نیز به صورت کتاب درآمده‌اند. هرچند متأسفانه بعضی از آن‌ها - که بنده راهنمایان نبوده‌ام - از عادت نامیمون «انتحال» پیروی کرده و مقالات این حقیر را، بدون ذکر مرجع، بی‌کم و کاست تحت عنوان رساله ارائه داده‌اند، ولی حداقل این فایده را داشته است که در محافل مختلف توجه به این دوره از تاریخ فلسفه اسلامی برانگیخته شود.

از سوی دیگر، پس از انتشار سلسله مقالات مذکور، استادان و اندیش‌مندان مختلفی، نگارنده را در تداوم چنین کاری مورد تشویق قرار دادند؛ به خصوص جناب آقای دکتر سیدحسین نصر که سلسله مقالات نگارنده را تحت عنوان «آشنایی با مکتب شیراز» در خارج از کشور دیده بودند، با ارسال چند نامه ضمن تشویق نگارنده به تداوم این کار، رهنمودهایی نیز ارائه دادند و

آن را ضرورتی برای پُر کردن خلأ تحقیقات در فلسفه اسلامی شمردند.

هم‌چنین در کار سترگی که شخصاً در تاریخ فلسفه اسلامی به تدریج منتشر می‌کنند، به این سلسله مقالات ارجاعات متعددی داده‌اند.

از اواخر سال ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر تصمیم گرفت که کنگره بزرگ مکتب شیراز را در آذرماه ۱۳۸۷ در تهران و شیراز برگزار کند. در همین رابطه مسؤولان مختلف آن فرهنگستان و به خصوص دبیر محترم کنگره، برادر گرامی جناب آقای دکتر نامور مطلق، با نگارنده تماس گرفته، مسؤلیت کمیته حکمت و عرفان این کنگره را به اینجانب واگذار کردند. با رایزنی‌های انجام شده در این کمیته، قرار شد که در آستانه برگزاری این کنگره، برای شناساندن مکتب شیراز کتبی منتشر شود؛ چرا که دستاورد ماندگار این کنگره‌ها چیزی جز انتشار همین کتاب‌ها نیست. از همین روی، اینجانب نیز عهده‌دار تألیف کتاب حاضر شدم.

این کتاب دارای دو بخش است. بخش اول درصدد معرفی اجمالی حوزه فلسفی شیراز برآمده، سپس به تفصیل به غیاث‌الدین منصور دشتکی پرداخته است که سرآمد فیلسوفان این دوره و نقطه اوج مکتب فلسفی شیراز محسوب می‌شود. برای این کار ابتدا تصویری از مکتب شیراز به طور کلی ارائه داده و آن‌گاه سیر این مکتب را از قطب‌الدین شیرازی تا غیاث‌الدین منصور پی گرفته‌ایم. به علت اهمیت سید سند و محقق خفزی، دو فصل مجزا به این دو اندیشمند اختصاص داده‌ایم. پس از آن به تفصیل به غیاث‌الدین منصور پرداخته‌ایم. در آخر نیز نگاهی گذرا به علل افول حوزه فلسفی شیراز پس از غیاث‌الدین منصور، انداخته‌ایم.

در بخش دوم کتاب برای معرفی غیاث‌الدین منصور و طبعاً ارائه تصویری از حکمت و عرفان این دوره، یکی از رساله‌های غیاث‌الدین منصور را تحت عنوان منازل السائرین و مقامات العارفین همراه با ترجمه و تعلیقات آورده‌ایم. نظر به مطالب طرح شده در این رساله، می‌توانیم آن را به نوعی «فلسفه عرفان» قلمداد کنیم که نگاهی درجه دوم و فلسفی به مباحث عرفان عملی انداخته است و به شکلی می‌توان آن را با فلسفه‌های مضاف و مباحث کلام جدید و تجربه دینی مربوط ساخت.

در این‌جا از همه کسانی که در نگارش این کتاب، نگارنده را یاری رسانده‌اند و هم‌چنین از مسؤولان محترم فرهنگستان هنر که به برگزاری این کنگره و انتشار این کتاب همت گماشتند، تشکر می‌کنم و این اثر ناقابل را به روح پرفتوح عارف ربانی و مجدد حوزه عرفانی مکتب شیراز، حضرت آیت الله نجابت شیرازی (ره)، تقدیم می‌نمایم و امید آن دارم که این اثر، مقبول طبع پژوهندگان تاریخ حکمت و عرفان قرار گیرد و نگارنده از پیشنهادات و انتقادات سازنده ایشان محروم نماند.